

ایجاد کنیم و بعد از آن حداقل در حد یک چشم انداز کلان یک نتیجه عینی بگیریم؛ این کار می تواند در قالب انتظاراتی که از شهر مشهد وجود دارد، یک درک متقابل ایجاد کند و سپس می توان این راه یک مطالبه اجتماعی رسانه ای تبدیل کرد.

بعد از این می توان انتظار داشت که سهم مشخصی از سرمایه گذاری های آینده که در این شهر صورت می گیرد به سمت سرمایه گذاری سالم جریان پیدا کند.

صالحی فرد: اولین بحث تغییر نگرش است و در این تغییر نگرش قطعاً نقش رسانه ها بسیار تاثیر گذار است، باید نگاه به مقوله گذران اوقات فراغت و مباحث مشترک با آن را در مسئولان تغییر دهیم.

ما باید از کسانانی کمک بگیریم که در برنامه ریزی اوقات فراغت دارای تخصص هستند، عرض کردم که در خیلی از کشورها فارغ التحصیل مقطع دکتری اوقات فراغت داریم اما در ایران فارغ التحصیل در این حد نداریم، حالا در مقطع کارشناسی ارشد یکی دو رشته داریم. ما باید سراغ آدم هایی برویم که دانش به روز این کار را دارند و برای کشورهای پیشرفته برنامه ریزی کرده اند.

ما در شهرهای خودمان هیچ نگاه تخصصی به گذران اوقات فراغت و برنامه ریزی آن نداریم و هیچ شناختی از خواسته ها و مطالبات مردم مان نیز نداریم.

قاسمی: ضعفی که بحث اوقات فراغت دارد این است که متاثر از اثر مسئله شهر گرایی است، ما شهرنشینی داشتیم، اما شهرگرایی نداشتیم متأسفانه فرهنگ شهری مشهد متناسب با جمعیت شهر و شهرنشینی رشد پیدا نکرده است. گذران اوقات فراغت یکی از نمودهایی است که متاثر از فرهنگ است، با اظهار نظر چهار نفر مشکل حل نمی شود، مهم ترین مشکل این است که متأسفانه رشته ای به نام اوقات فراغت نداریم، تحصیل کرده اش را هم نداریم. افرادی که در بحث اوقات فراغت اظهار نظر می کنند دانشگاهی نیستند، تحصیل کرده این رشته نیستند و فقط تجربیات و علاقه مندی هایشان را می گویند. ما همانطور که وزارت ورزش داریم وزارت اوقات فراغت هم باید داشته باشیم. حالا چند نفر اظهار نظر می کنند که در جای خودش خوب است اما نهایتاً نتوانسته ایم ریشه آن را حل کنیم، آموزش یکی از راه های ارتقاء فرهنگ است. باید دانشگاه فردوسی را برای ایجاد رشته گردشگری و اوقات فراغت ملزم کرد.

قاسمی: ما بیشتر بحث گردشگر مذهبی را داریم که آن هم تابع اوقات فراغت است. ما باید جاذبه هایی که با موضوعات مذهبی سنخیت دارند را بیشتر کنیم. در بحث زیرساخت های گردشگری آن هایی را گسترش دهیم که از فضاهای معنوی بهره بیشتری دارند.

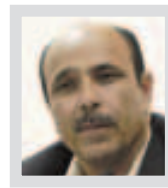
که وقتی ما می خواهیم یک کار دینی انجام دهیم، می گوئیم نقطه شروع، وسط و پایانش این است و بعد در احادیث یک چیزی پیدا می کنیم تا به واسطه آن اسم دین را به آن بچسبانیم؛ در حالی که دین یک روح حاکم بر کل فرآیند است. یعنی کافی است بیاییم سهم علم، فرهنگ و هنر را در فعالیت های فراغتی افزایش دهیم. دین در این جا یک روح حاکم است و طبیعی است که بخشی از این فعالیت ها متناسب با حرم و محیط نزدیک به حرم هست؛ آن وقت هنرش

صالحی فرد: ما تعریف مشخصی از فعالیت های مکمل با حوزه زیارت نداریم که بگویم اوقات فراغت در تناسب با آن هست یا نیست. در درجه اول ما باید تکلیف مان را با این داستان مشخص کنیم که ماهیت شهر مشهد چه باید باشد.

می شود هنر دینی، معارف و فرهنگ رضوی. اصل موضوع این است که ما در بحث اوقات فراغت یک سرمایه گذاری مناسب و متوازن انجام نداده ایم. ما باید ابتدائاً فرآیند کلی را درست کنیم، یعنی بدانیم که آیا فراغت توانسته در مجاری اصلی خودش جریان پیدا کند یا نه و سپس با توجه به اینکه شهر مایک شهر دینی است و دست اندر کاران این کار دغدغه دین را دارند، حق دین هم ادا می شود.

چگونه می شود این کار را انجام داد که اوقات فراغت به عنوان جزئی از فرآیندهای یک شهر دینی درآید؟ سهیلی: در ابتدا باید درک متقابلی بین مدیران و فرهیختگان در این عرصه

سهیلی: اشکال این جاست که وقتی ما می خواهیم یک کار دینی انجام دهیم، می گوئیم نقطه شروع، وسط و پایانش این است و بعد دین را به آن می چسبانیم؛ در حالی که دین یک روح حاکم بر کل فرآیند است. یعنی کافی است بیاییم سهم علم، فرهنگ و هنر را در فعالیت های فراغتی افزایش دهیم.



من قبل از فوت، نت موسیقی سریال ولایت عشق را ساختند؛ تنها بخشی از آن را آقای اصفهانی خواندند، با این حال پدرم این کار را ادامه دادند و داشتند نت و سمفونی را کامل می کردند که مرحوم شدند. زمانی که از آمریکا برگشتم خیلی تصادفی دست نوشته های ایشان را دیدم و وقتی دیدم پدرم چه قدر زحمت کشیده است، دلم نیامد این کار را بگذارم بنابرین خودم کار را کامل کردم، الان اجازه بدهید بیایم در مشهد و این سمفونی را اجرا کنیم من خودم بابت یکسال و اندی



که زحمت کشیده ام هیچ هزینه ای نمی خواهم، فقط هزینه ای برای آقای اصفهانی و هزینه نوازنده ها. آیا این کنسرت با روح زیارت در تناقض است؟ در اولین قدم باید نگاه افراد را تغییر دهیم که خیلی از برنامه های اوقات فراغت، تضادی با حوزه های مذهبی و دینی ندارند و حتی می تواند مقوم آن باشند.

این نگاه را باید در سطح ساختارهای مدیریتی خودمان حل کنیم، به نظر من مشهد این جایگاه و این پتانسیل را دارد که هم بیاید فضای مربوط به شهروند و هم برای زائر و گردشگر را خیلی خوب پوشش دهد و از سطح کارکردهای خودش بتواند نگاه جهانی را به شهر مشهد ارتقاء دهد.

سهیلی: به نظر من اشکال اینجاست



خارجی زمانی که وارد شهر مشهد می شود قطعاً فضاهای خاصی مورد نیازش هست که ممکن است خیلی تشابه یا سنخیت با فضایی که شهروند می خواهد یا گردشگران می خواهند نداشته باشد.

قاسمی: مشهد ظرف سیال است که شما نمی توانید برای زائر مرز بکشید و بگوئید اینجا برو آنجا نرو، چنین چیزی اصلاً امکان پذیر نیست که بخواهیم فضایی را اختصاص بدهیم به زائر یا شهروند، چنین تفکیکی عملاً امکان پذیر نیست، چرا باید بین نوع تفریح و بحث گذران اوقات فراغت زائر و شهروند تفکیک قائل شویم؟ چون این ها تفاوت دارد، اگر قرار است بین تفریحات شهروند و زائر برنامه ریزی کنیم موضوع نوع خدمات و زمان را باید لحاظ کنیم.

آقای دکتر صالحی فرد چه کار هایی می توان برای گردشگر مذهبی و زائر انجام داد که هم اوقات فراغت در راستای سیره رضوی باشد و هم بحث منفعت برای ذی نفعان داشته باشد؟

صالحی فرد: ما در سال های اخیر آنقدر بد در حوزه دین و مذهب عمل کرده ایم که وقتی بحث مذهب و دین می آید، نسل جوان ما فکر می کند مذهب فقط غم، افسردگی، گوشه گیری و انزوا است؛ در حالی که اسلام ماهیتاً دینی بسیار شاد و مفرح است. بنابراین اگر قرار است کارکردهایی در حوزه اوقات فراغت داشته باشیم باید با این رویکرد باشد که ما سرزندگی را به شهر برگردانیم، چیزی که امروزه در ساختار شهری مشهد نداریم؛ یعنی شهرهای ما شهرهای شاد و سرزنده ای نیستند که انسان احساس کند علاقه مند است در این فضا بماند و از اوقات فراغتش استفاده کند.

مسئله دیگر این است که اوقات فراغت صرفاً پر کردن وقت یک سری از انسان ها نیست، بعضی مواقع خود اوقات فراغت و پر کردن هوشمندانه آن می تواند یک چهره بین المللی را از یک شهر به نمایش بگذارد. در اوقات فراغت شهری مثل مشهد هم اگر قرار هست نگاه زیارتی را گسترش دهیم چه اشکالی دارد که نگاه جهانی را در کنار خودش داشته باشد؟

من یک پیشنهادی را به استانداری دادم و متأسفانه دوستان این کار را انجام ندادند و آن این بود که سمفونی امام رضا (ع) در مشهد اجرا شود. با یکی از مسئولین صحبت کردم که وی گفت این بحث را مطرح نکنید، این جامشهد است! آقای علی بیات فرزند مرحوم بابک بیات با من تماس گرفت و گفت که پدر